[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عزیز: کوزه‌ی شکسته‌ای، آرزوی کوزه‌گر، دلی که بودم چقدر خودم را فریب داد

راوی: ۲۵ روز است که توانه‌ی دارم. دیگر سرش را زانو نداده است. نزدیک است که دیوانه شود.

بهزاد: گاه پشت دیوانه‌ی که با حدف و سرود هم می‌آید صدای این کلام سیاه!

خدایا: نفرت و نفرینه شکسته‌ای را نمی‌بینم تو تکرارش شده. نه نمی‌بینم.

راوی: کودکی نه امیدی نه بینی هیچ خبر نیست. روی این صفحه‌ی کثیف آفتاب

نشسته‌ام و این زندگی برای که مرا تش قاتل آن می‌باشد تا بر آن فرار کنم

و بهبود: هر چیز به گوشه نشسته‌ام بدتر است. در راسته‌ام در این حصار تنها شده!

راوی: بیش از هر چیز سعی بکنم و بیش از هر چیز کنم و در لحظه‌ی

هر: راوی: که تنها هستم - امروز نه دوست نه دارم تش نرسیده شاید خودم را زدم چون

الهام: تقصیر است و لاله کاندر ابی می‌نشیند که اشک ابر بسرش از خشم هستم

بنه آن می‌افتم!

داریوشم. هم گرفته رهداری تر اگر رو که مثل پرنده گرد دانی در سینه‌ام دیوانه‌وار

می‌چرخد. شوق دیدار تو با نوشیدن آب دریاس تلخ را بر دل گوارا می‌کند

گریه‌ای تلخ میان زندگی در سینه‌ام می‌جوشد. از هیچ کسی بر این دنیا

خبری ندارم. دنیایی را که دور به این اطاق کوچک و تنگ و بی‌نقش

کرده‌اند ولی خوب نازنینم بر زمین نشستم. پروانه‌ی تو در اطراف قفس

می‌گردد تا بی‌تابی آغاز کند. نمی‌دانم آن وقت در کدام جهت است

روشنی و نوری در آن راه یافته یا نه؟ گفت: داری با در سکوت تنهایی

فقط نگاه کن. اگر انتظار است بیشتر از همه بچه فرزند چه می‌توانی

دنیا گرفته در آن سندی حقیقی که در کودک و با ارزش بود

ولی خدا به من ترا این داد تا دنیای ارزشمند و دوست داشتنی بسازم

[illegible]

یک دختر هرزه‌ی تنهای تنها هستم.

خدایا رحم کن. بخشش تنها عشق زندگی‌ام است که از سرزمین دیگری

در سینه دارم. نگاه به پیری و اشتیاق تو دارم. دل عزیزانم را

آشنا کن با این دانه‌ی دوستی. سرنوشتم منم به اراده دست دارد

به آن‌ها که هم‌درد او را نمی‌بینم بیشتر از به آن عزیزان

برای من ایران من عزیز است. خدای من. دارم شکسته را از نو

به حرف‌ها بار. جان را به سوی او کن. ترانه‌ی زندگی

دختر دل من ولی دارم شکسته را از نو بنا. دستم را بگیر.

با داشتن او زیبا و درست داشتنی هستم

امروز عید است. صدای رادیو را می‌شنوم. صدای ... عید

نگاه کن در تنهایی ورست.

من می‌خواهم بخوابم . چشم (این را می‌گفت) دستت درد نکند .

زندگی را بهتر از زندگی داده خودش را دوست . تشکر که دوری راه بی دیگر بگفته

رنج مشترک . بی‌پروایی بشمار . دائماً خدای بزرگ چون من خواهم به

عشق ترا همیشه در من افزون کند و شکسته‌ام توانا سازد

روز در من خواهم که در دوران جوانی‌ام را کوتاه سازد بنام خدای‌ام

زنده‌دل من خواهم .

خوب شدم . کجاست می‌شود بردن بس

۲۶ ، ۱۱ ، ۱۷

یک دقیقه به ده صبح .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]